

Themes of Resistance in Abu Salmi's Diwan; Contemporary Palestinian Poet

Faroogh Nemati^{1*}

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Payame Noor University

(Received: 27/03/2019; Accepted:18/01/2020)

Abstract

Abdul Karim al-Karami, known as Abu Salmi, is one of the most committed Palestinian poets who has expressed whispers of resistance in various ways in his Diwan. This unknown contemporary poet, who dedicated the language of his poems to his lofty ideals and his country, has played the most beautiful songs in defense of his homeland in his poems. The love for Palestine is so ingrained in the poet's existence that it makes him look like a lover. In Abu Salami's political doctrine, struggle is the only way to victory, and the blood of the Palestinian martyrs is the price of the nation's lofty ideals. He bravely attacks the compromising Arab rulers and uses his poems as a means of severely criticizing them. Encouragement to the relentless struggle against the enemy, praise for the altruism, praise of the martyrs of the motherland and hope for a bright future are other dominant motifs in his poems. This research examines the themes of resistance in the poems of Abu Salami through text-based analysis.

Keywords: *Palestinian resistance poetry, Abdul Karim al-Karami (Abu Salami), theme study.*

1 . * Corresponding Author: faroogh.nemati@gmail.com

بن‌مایه‌های پایداری در دیوان «ابوسلمی»: شاعر معاصر فلسطینی

فاروق نعمتی^{۱*}

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۸)

صفحات: ۹۹-۱۱۴

چکیده

یکی از شاعران متعهد فلسطینی که زمزمه‌های مقاومت را در لابه‌لای دیوان خود، به شیوه‌های متفاوتی سروده، «عبدالکریم الکریمی» مشهور به «ابوسلمی» است. این شاعر گمنام معاصر که زبان اشعارش را وقف آرمان‌های والای خود و سرزمینش نمود، در سروده‌های خویش، زیباترین نواها را در دفاع از وطن خویش نواخته است و عشق به فلسطین، تار و پود وجود شاعر را دربرگرفته است. در دکترین سیاسی «ابوسلمی»، مبارزه تنها راه رسیدن به پیروزی است و خون شهیدان فلسطینی، بهای رسیدن به آرمان‌های والای این ملت است. او شجاعانه بر علیه حکام سازش‌گر عرب حمله می‌کند و اشعارش را وسیله‌ای برای انتقاد شدید از آنان قرار می‌دهد. تشویق به مبارزه بی‌امان بر علیه دشمن، تمجید از جان‌فشانی‌ها، ستایش شهیدان مام میهن و امید به آینده روشن، از دیگر موتیف‌های غالب در سروده‌های این شاعر فلسطینی است. این پژوهش از گذر تحلیل متن محور، به بررسی مضمون‌های پایداری در اشعار «ابوسلمی» می‌پردازد.

کلمات کلیدی: شعر پایداری فلسطین، عبدالکریم کریمی (ابوسلمی)، بن‌مایه.

۱. * نویسنده مسئول: faroogh.nemati@gmail.com

۱- مقدمه

ادبیات پایداری و مقاومت، «نوعی از ادبیات متعهد و ملترزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) و «محتوای آن، بیان تلاش‌ها، اخلاص-ها، ایثارها و پیکارهای ملّتی است که برای دفع تجاوز دشمنان، قد برافراشته است و در این مسیر، رنج دیده و حرمان کشیده است» (نجاریان، ۱۳۸۸: ۲۰۲). در این میان، شعر مقاومت فلسطین، یکی از پرشورترین شعرهای مقاومت جهان و خاستگاه عمده‌ترین جلوه‌گاه‌های پایداری و مبارزه است و به تعبیری دیگر، «شعری انقلابی به مفهوم کلی انسانی آن است» (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). از همین روی، موضوع فلسطین با گذر از یک منطقه جغرافیایی خاص، به موضوعی جهانی تبدیل شده است و به عقیده شفیع کدکنی «نبض شعر عرب، امروز با مسئله فلسطین می‌تپد» (۱۳۸۰: ۲۵).

عبدالکریم الکریمی (ابوسلمی)، از پیشگامان شعر مقاومت فلسطین است که سروده‌های خود را در برهه‌ای از زمان و به ویژه پس از اشغال فلسطین، وقف آرمان میهنش نمود و به شرح دردها و آرزوهای ملّت زخم‌دیده‌اش نمود. به طور کلی می‌توان ادبیات فلسطین را به چهار دوره مجزا تقسیم نمود (ر.ک به: خطیب، ۲۰۰۲: ۱۷۵):

الف) دوره اول یا شروع (اواخر سده نوزدهم تا اوائل سده بیستم)

ب) دوره نهضت تا شکست (اوائل سده بیستم تا شکست ۱۹۴۸)

ج) دوره شکست (از ۱۹۴۸ تا اواسط دهه شصت)

د) دوره انتفاضه و بازگشت به خودآگاهی (از اواسط دهه شصت تا زمان کنونی)

۱-۱- هدف، بیان مسأله

اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸م، نقطه عطفی در ادبیات این سرزمین ایجاد کرد و شاعران آن با درک درست از واقعیت موجود، تلاش نمودند تا با سلاح شعر، به صحنه مبارزه با دشمن صهیونیست بروند و از وطن اشغال‌شده خویش، به گونه‌های مختلفی دفاع نمایند. تشویق ملّت به مبارزه و فداکاری در راه وطن، تمجید از شهیدان، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها و... از جمله اهداف این سرایندگان متعهد در فضای مقاومت در برابر اشغال‌گران است. عبدالکریم الکریمی (ابوسلمی) از روشنفکران ملی‌گرای فلسطینی است که با چکامه‌های حماسی خویش، خدمات ارزنده‌ای در عرصه سیاسی فلسطین داشت. با توجه به اینکه «ابوسلمی» از شاعران برجسته و آزادی‌خواه معاصر عرب بود و دو دوره (پیش و بعد از شکست) را در وطن خویش فلسطین، تجربه کرده است، بدیهی است که در سروده‌های او، رگه‌هایی از درون‌مایه‌های مقاومت و دفاع از وطن دیده می‌شود.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

پژوهش و بررسی در حوزه شعر و ادب مقاومت و تبیین زوایای گوناگون آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این عرصه، شعر پایداری فلسطین و سرایندگان این کشور، بهتر و زیباتر توانسته‌اند، جلوه‌های شگرفی از بارقه‌های مقاومت را در اشعار خود بازتاب دهند. عبدالکریم الکریمی مشهور به «ابوسلمی» از زمره سرایندگان متعهد و ظلم‌ستیز فلسطینی است که اشعارش مورد توجه جدی پژوهش‌گران حوزه ادب پایداری قرار نگرفته است؛ به این خاطر لازم و ضروری به نظر می‌رسد که با بررسی اشعار وی، به کشف پربسامدترین مضمون‌های مقاومت در دیوان او بپردازیم.

۳-۱- پیشینه تحقیق

شخصیت ادبی و تحلیل اشعار عبدالکریم الکریمی، تا حدود بسیاری گمنام مانده و نیازمند تحلیل و بررسی بیشتر است. البته برخی پژوهش‌ها در رابطه با شعر وی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن پایان‌نامه مقطع دکتری با عنوان «شعر عبدالکریم الکریمی در اسلوبیه» است که توسط «مساعده العمری» در سال (۲۰۰۸م)، اشعار این سراینده را از منظر ساختاری و اسلوبی بررسی کرده است، اما بررسی تحلیلی از مضامین شعری در آن انجام نشده است. در پایان‌نامه‌ای با عنوان «أبوسلمی الأديب الإنسان» به برخی ویژگی‌های شعری شاعر پرداخته شده است. (الفار، ۱۹۸۰). همچنین در مقاله‌ای با عنوان «القضية الفلسطينية في أدب عبدالکریم الکریمی» از رحماندوست و مجاهد (۱۴۳۴)، بدون موضوع‌بندی، تنها به صورت کلی به ذکر برخی ابیات شاعر در رابطه با فلسطین پرداخته شده است. اما تفاوت مقاله حاضر در این است که رویکرد شاعر به مضامین مقاومت، به صورت مجزا بررسی شده است که در نوع خود، پژوهشی نو به حساب می‌آید.

۴-۱- سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مضامین پایداری در اشعار «ابوسلمی»، در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر خواهد بود:

۱. دیدگاه «ابوسلمی» در خصوص مسئله فلسطین، پیش و بعد از اشغال آن چیست؟

۲. بارزترین مؤلفه‌های پایداری در اشعار «ابوسلمی» کدام‌اند؟

۵-۱- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به واکاوی بن‌مایه‌های پایداری در اشعار و دیوان عبدالکریم الکریمی مشهور به ابوسلمی پرداخته است.

۲- عبدالکریم الکریمی (۱۹۱۰-۱۹۸۰)

عبدالکریم الکریمی در سال ۱۹۰۹م در شعر «طولکرم» فلسطین به دنیا آمد. در دانشگاه قدس، در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. پس از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸م، رهسپار دمشق شد. وی بعدها به عضویت شورای ادبیات سوریه درآمد. ابوسلمی در مسیر فعالیت‌های سیاسی خود، عضو سازمان آزادی‌بخش فلسطین شد. وی در سال ۱۹۸۰م در کشور آمریکا در گذشت. پیکر این ادیب فلسطینی به دمشق منتقل شد و در آرامگاه شهدا در اردوگاه «یرموک» سوریه به خاک سپرده شد. ابوسلمی دارای مجموعه اشعاری است که بعدها چاپ و منتشر گردید: آغانی أطفال (سروده‌های کودکان)، أغنیات بلادی (سروده‌های سرزمینم)، المشرّد (آواره) و... وی در مقدمه‌ای که بر دیوان خود نگاشته است، مجموعه اشعار خود را براساس زمانی، به اشعار قبل از سال ۱۹۴۸ که در فلسطین ساکن بود و اشعار بعد از آن یعنی زمان اشغال فلسطین که از وطنش آواره شده، تقسیم نموده است (ر.ک به: الکریمی، ۱۹۷۸: ۵).

با بررسی اشعار «ابوسلمی»، می‌توان تجربه شعری وی را به دو مرحله تقسیم نمود: مرحله اول در سرودن اشعار عاشقانه و رماتیکی که شاعر بیشتر به موضوعات فردی خود در تجربه‌های عاشقانه پرداخته است؛ و در مرحله دوم، شاعر به سرایش اشعار مبارزه‌طلبانه و ستیزه‌جویانه پرداخته است که اغلب شامل موضوعات سیاسی-اجتماعی است و سخن‌راندن از

فلسطین اشغال شده و عشق به وطن، محور اصلی قصائد او را تشکیل می دهد.

شعر «ابوسلمی»، ساده و دارای واژگان و عبارات‌های دل‌نشین است که حوادث و رویدادهای ملتش را ثبت کرده و از آن‌ها متأثر شده است. «وی از نظر همسانی قصیده و وزن و قافیه، اسلوب شعر قدیم را تجربه کرده، ولی در عین حال در مضمون، نوآوری به خرج داده است. او به این وسیله، شعور و آگاهی ملی - میهنی را برمی‌انگیزد و به همین دلیل نیز زیبایی تصویرپردازی از حوادث فلسطین در شعرش نمایان می‌شود» (قبش، بی تا: ۵۴۳). «ابوسلمی» را می‌توان شاعری رئالیسمی (واقع‌گرا) دانست که معتقد به «هنر متعهد» بود. طرفداران این نوع رویکرد بر این باورند که «هنر باید برای تعلیم و راهبری افراد بشر مفید باشد» (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۴۷۴).

۲-۱- مضامین مقاومت در شعر عبدالکریم الکریمی

ادب پایداری زمانی شکل می‌گیرد که روح اعتراض به مظاهر ستم و زشتی و ناسازگاری با آن، در کالبد کلمات دمیده شود؛ از همین رو، ادب مقاومت، «تجلی ستیز با بدی و بیداد با سلاح کلمه است» (سنگری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). از طرفی نیز شعر، «رستاخیز کلمه‌ها» (ر.ک به: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۵) است و یکی از رسالت‌های اصلی آن، تحریک احساسات مخاطبان است که در عرصه ادب مقاومت، این ویژگی، دارای برجستگی بیشتر است. «شاعر با توجه به تأثیر کلام خود، همگان را به جهاد و مقاومت در مقابل دشمنان و تحمّل مشکلات در راه پیروزی فرا می‌خواند و در این راه، از تمام انگیزش‌های عاطفی، اعتقادی، تاریخی و باورهای اقلیمی کمک می‌گیرد» (کافی، ۱۳۸۹: ۵۳۲).

۲-۱-۱- شعر؛ سلاحی در راه مقاومت

«ابوسلمی» با درک درست از هدف اصلی‌اش از سرودن شعر، وظیفه خود را بازتاب درد و رنج ملتش می‌داند و اشعار خود را بهترین وسیله برای به تصویر کشیدن همه خوشی‌ها و ناخوشی‌های وطنش قرار داده است. تک تک واژه‌های اشعار «ابوسلمی»، زاینده آتش مقاومت و عشق به وطن و خاک گندمگون آن است:

۱- مَا أَبْلَغَ الصُّمْتَ إِذَا مَا رَوَى	مَا سَاءَ شَعْبِي قَلْبِي الْمُشْخِنُ
۲- يُعْبِقُ شِعْرِي بِشَذَا مَوْطِنِي	لَوْلَاهُ لَا يَزُكُّوْ وَلَا يَحْسُنُ
۳- شِعْرِي جِسْرٌ يَلْتَقِي فَوْقَهُ	أَهْلِي بِمَا يَحْلُوْ وَمَا يَشْجُنُ
۴- وَكُلُّ شِعْرٍ لَمْ يَصْعَهُ الْهَوَى	وَتُرْبَتِي السَّمْرَاءُ مُسْتَهْجَنُ
۵- وَكُلُّ حَرْفٍ لَمْ يَكُنْ نُورَهُ	مُقْتَبَسًا مِنْ نَارِنَا يُلْعَنُ

(الکریمی، ۱۹۷۸: ۳۶۲)

ترجمه: «۱- چقدر سکوت بلیغ و رساست! اگر قلب دردناک من، مصیبت ملت را روایت نکند؛ ۲- شعر من، شمیم خوش وطنم را پراکنده می‌سازد؛ و اگر وطنم نمی‌بود، شعرم نیکو و پسندیده نبود؛ ۳- شعر من به سان پلی است که هم‌وطنانم در بالای آن، خوشی و ناخوشی‌ها را می‌بینند. ۴- و هر شعری که عشق و خاک گندمگون (وطنم) آن را تشکیل ندهد، شعری زشت و ناپسند است. ۵- و هر حرفی که نور آن، برگرفته از آتش (مبارزه) ما نباشد، مورد نفرین است.»

۲-۱-۱- عشق به وطن (فلسطین)

دل‌بستگی به وطن، یکی از اصلی‌ترین موتیف‌های شعری در میان شاعران ادب پایداری است. «این مسأله به‌ویژه در شعر شاعرانی که سرزمین‌شان در آتش جنگ و استعمار سوخته، نمود بیشتری یافته است. این موضوع، شاعران بسیاری را وادار کرده تا جهت برانگیختن شور و حماسه در ملت خود، به دفاع از وطن بپردازند» (مسبوق، ۱۳۹۰: ۱۳۲). این دلدادگی عمیق به سرزمین مادری در اشعار ابوسلمی، بازتاب بسیار گسترده‌ای دارد. از مهمترین عوامل سیاسی سرایش اشعار وطنی او، حضور یهودیان و حمایت بی‌دریغ استعمار انگلیس از آنان بود که وی را بر آن داشت تا برای تشویق ملتش به قیام و ایستادگی در برابر آنان، اشعار وطنی پرنغزی بسراید. شاعر وطنش را در قلبش می‌داند و از اینکه از او به دور است، گلایه می‌کند؛ شاعر فلسطین را گران‌بها تر از همه جهان می‌داند:

۱- يَا وَطَنِي! ... حَتَّامَ لَا نَلْتَقِي
وَأَنْتَ فِی قُلُوبِنَا تَسْكُنُ
۲- بَاعُوكَ بِخَسَاءٍ لَيْتَهُمْ أَدْرُكُوا
أَنَّكَ مِنْ عَالَمِهِمْ أَثْمَنُ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۶۲)

ترجمه: «۱- ای وطنم! تا کی همدیگر را دیدار نکنیم؟! حال آنکه تو در قلب‌های ما جای گرفتی؛ ۲- تو را به قیمتی ارزان فروختند؛ ای کاش می‌دانستند که تو از جهان آنان، گران‌بها تری.»

عشق ابوسلمی به سرزمین مادری‌اش پس از اشغال فلسطین، به قدری است که تبدیل به معشوقه‌اش می‌شود و «هرچند وی پیش از ۱۹۴۸، زن جسمانی را محور اصلی چکامه‌های عاشقانه خود قرار می‌داد، اما پس از اشغال، از زن نمادی برای بیان احساسات و شیفتگی خود در قبال وطن اشغالی بهره جست» (ملاابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۵). در واقع باید گفت، غزلیات ابوسلمی به دنبال اشغال وطنش توسط دشمن صهیونیستی، تغییر ماهیت می‌دهد و فلسطین برای شاعر تبدیل به معشوقه‌ی زیبایی می‌شود که وی عاشقانه‌هایش را برایش می‌سراید و در غم وصالش اندوهگین است؛ این دسته از غزلیات شاعر، دارای عاطفه بسیار و گاهی نیز برآمده از عنصر خیال است:

لَمْ تُبْقِ ذِكْرَاكِ غَيْرُ بَقِيَّةٍ
وَبَقِيَّةُ الذِّكْرِ تَهْبِجُ وُلُوعِي
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۱۳۳)

ترجمه: «یاد تو، جز باقیمانده‌ای از آن برایم نمانده است؛ و این اندک یادی از تو، اشتیاقم را به شور می‌آورد.»

از همین رو، وطنیات ابوسلمی گاهی با غزلیات او درمی‌آمیزد و «از این آمیختگی، صحنه‌های جذاب و سحرانگیزی آفریده که حکایت از شور و عشق ملی سراینده‌اش دارد. در حقیقت، عشق به زیبارویان در نزد ابوسلمی به‌ویژه پس از مصیبت اشغال، جای خود را به حنین و اشتیاق به وطن داد» (ن. ک. به: بیلتنو، ۱۹۸۷: ۱۷۷).

«ابوسلمی» خود را وفادار به پیمان با وطنش می‌داند و معتقد است که آنچه که همواره ماندگار و جاودان خواهند ماند، ملت و میهن است:

۱- يَا وَطَنِي! ... لَاتَأْسَ إِنَّا عَلَي
عَهْدِكَ مَهْمَا طَأَلْتَ الْأَرْضُنْ
۲- تَفَنَّى الزَّعَمَاتُ وَأَشْبَاهُهَا
وَالْخَالِدَانِ الشُّعْبُ وَالْوَطَنُ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۶۶)

ترجمه: «۱- ای وطنم!... غم مخور؛ چرا که ما هر چند هم زمانه طولانی شود، بر پیمانی که با تو بسته‌ایم، وفاداریم؛ ۲- رهبران و مانند آن‌ها فنا خواهند شد؛ و آنچه جاودان است: ملت و وطن است.»

در قصیده‌ای با عنوان «فلسطین»، شاعر وطنش را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ آن را رؤیای انقلابیون دانسته، میهنش را آغشته به بوی خوش مجاهدان می‌داند؛ ملتی که خود را به شراره‌های آتش مقاومت می‌سپارد و هیچ‌گاه ذلت و خواری را بر خود نمی‌پذیرد:

۱- فَلِسْطِیْنُ! یَا خُلَمَ الثَّائِرِیْنَ	فَلِسْطِیْنُ! یَا وَطَنَ الْخَالِدِیْنَ
۲- أَطَّلَى عَلَی أَفْقِ الْأَرْجُوَانِ	مُعْطَرَّةً بِشَدَا الدَّارِ عِیْنِ
۳- وَسِیْرِی عَلَی رُبُوَاتِ الزَّمَانِ	مُجَنِّحَةً بِجِهَادِ السَّنِیْنِ
۴- وَخَلْفَکِ جَلْجَلَةُ الْخَافِقِیْنَ	تَهَاوَتْ عَلَی الظُّلْمِ وَالظَّالِمِیْنَ
۵- وَشَعْبِکِ یَزْحَفُ فَوْقَ اللَّهِیْبِ	وَيُقْسِمُ بِاسْمِکِ أَنْ لَا یَدِیْنَ

(همان: ۱۱)

ترجمه: «۱- فلسطین! ای رؤیای انقلابی‌ها؛ فلسطین! ای وطن جاودانه‌ها؛ ۲- بر افق ارغوانی سر بکش؛ در حالی که معطر به بوی خوش مبارزان هستی. ۳- و بر تپه‌های زمانه حرکت کن؛ در حالی که بال‌های جهاد سال‌های خود را گسترانده‌ای. ۴- پشت سر تو، صدای حرکت کنندگانی است که بر ستم و ستم‌گران خواهند شورید. ۵- و ملت تو بر بالای شراره آتش خواهد خزید و به نام تو سوگند خواهد خورد که هیچ‌گاه تن به ذلت ندهد.»

۲-۱-۱-۲- توصیف شهیدان

کشتگان عرصه مقاومت، نماد عزت و بیداری ملت‌هایی هستند که در برابر متجاوزان و اشغال‌گران، ایستادگی و مقاومت کرده‌اند و پاسداشت جان‌فشانی آن‌ها در واقع بزرگ‌داشت مقاومت و ظلم‌ستیزی یک ملت است. «ابوسلمی» برای شهید، احترام خاصی قائل است و شهید را بیگانه‌ستیز و جاودان همیشه زنده‌ای می‌داند که همواره ندایش به گوش می‌رسد:

۱- فِی کُلِّ نَاحِیَةٍ شَهِیدٌ خَالِدٌ	هُوَ مَنْ یُنَادِی لِأَنْرِیدُ دَخِیلاً
۲- قُمْ یَا شَهِیدَ التَّوْمِ وَأَخْطُبْ فِی السُّورِی	أَصْبَحْتَ حَیًّا مُذْ غَدَوْتَ قَتِیلاً

(الکرمی، ۱۹۷۸: ۱۸)

ترجمه: «۱- در هر ناحیه‌ای، شهیدی جاویدان (خفته) است که ندا سر می‌دهد: بیگانه‌ای را نمی‌خواهیم. ۲- ای شهید ملت به پا خیز و در میان مردم خطبه سر ده! چرا که از آن هنگام که کشته شده‌ای، زندگی (دوباره) یافته‌ای.»

مصراع پایانی بیت دوم، اقتباسی معنوی از این آیه مبارکه است که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹): ترجمه: «و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

«ابوسلمی» با اشاره به یکی از شهیدان جبهه مقاومت فلسطین «فرحان سعدی»، به حالت معنوی وی پرداخته که عبادت برای خدا را با جهاد در راه او آمیخته است:

- ۱- قَوْمُوا أَنْظُرُوا «فَرْحَانَ» فَوْقَ جَبِينِهِ أَثَرَ السُّجُودِ
 - ۲- يَمْشِي إِلَى حَيْلِ الشَّهَادَةِ صَائِماً مَشَى الْأَسُودِ
 - ۳- سَبَّعُونَ عَاماً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْحَقُّ التَّلِيدِ
 - ۴- خَجَلَ الشَّبَابُ مِنَ الْمَشِيبِ بَلِ السُّنُونُ مِنَ الْعُقُودِ
- (الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۴)

ترجمه: «۱- برخیزید و (فرحان) را بنگرید که بر پیشانی‌اش، اثر سجده است. ۲- در حالی که روزه است؛ اما به سوی ریمان شهادت، همچون شیر رهسپار می‌شود. ۳- هفتاد سال در راه خدا و حق قدیمی. ۴- جوانان از پیری و سال‌ها از پیمان‌ها شرم دارند.»

شاعر در توصیف «عزالدین قسام» از شهیدان راه آزادی فلسطین، خون شهید را فریادگر دانسته و معتقد است رمز و راز جاودانگی، به وسیله شهید در دنیا طنین‌انداز می‌شود:

- ۱- قَوْمُوا اسْمَعُوا مِنْ كُلِّ تَاحِيَةٍ يَصِيحُ دَمُ الشَّهِيدِ
 - ۲- قَوْمُوا أَنْظُرُوا «الْقَسَامَ» يُشْرِقُ نُورُهُ فَوْقَ الصَّرُودِ
 - ۳- يُوحِي إِلَى الدُّنْيَا وَمَنْ فِيهَا بِأَسْرَارِ الْخُلُودِ
- (الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۳)

ترجمه: «۱- برخیزید و همه جا بشنوید: خون شهید فریاد برمی‌آورد. ۲- برخیزید و به (قسام) بنگرید که پرتوش بر بلندای نورافشانی می‌کند. ۳- و به دنیا و ساکنانش، اسرار جاودانگی و ماندگاری را الهام می‌کند.»

۲-۱-۱-۳- مقابله با استعمار پیر

در خلال جنگ دوم جهانی، دولت انگلیس برای مقابله با فرانسه، نیروهای ملی در کشورهای عربی همچون سوریه و لبنان را به تظاهرات علیه این کشور تشویق نمود و بدین منظور، جشنی را در انجمن ارتودوکسی‌ها در «حیفا» برگزار نمود. «ابوسلمی» با درک درست از نقشه‌های استعمار پیر در منطقه، این دلسوزی‌ها را فریبکارانه می‌داند و در قصیده‌ای تحت عنوان «کله استعمار» چنین می‌سراید:

- ۱- يَا حَادِبِينَ عَلَيَّ الضَّعِيفِ رُوَيْدِكُمْ
 - تَارِيخُكُمْ فِي صَفْحَةِ الْعَارِ
 - ۲- لَا تَدْكُرُوا حَقَّ الضَّعِيفِ فَكُلُّكُمْ
 - مُسْتَعْمِرُونَ وَكُلُّهُ اسْتِعْمَارُ
- (همان: ۳۸)

ترجمه: «۱- ای کسانی که (به دروغ) خود را یاری‌گر ضعیف می‌دانید؛ صبر کنید! صفحه تاریخ شما، همه عار و ننگ است. ۲- حق ضعیف را بیان نکنید؛ چرا که همه شما استعمارگر و همه این (کار)، کاری استعماری است.»

۲-۱-۱-۴- تشویق به مبارزه

از شاخصه‌های اصلی ادب مقاومت، دعوت به مبارزه در برابر بیداد و اشغال‌گری است؛ چرا که «ادب مقاومت، پرخاش‌گر و تندخو و بی‌پروا است و دعوت‌کننده به قیام، ایستادگی و ایثار؛ دعوتی که گاه به صورت فریاد اعتراض است و گاه در

چهره نبرد مسلحانه» (سنگری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). در دکترین سیاسی «ابوسلمی»، جای هیچ گونه سازش با دشمن نیست؛ چرا که او تنها راه آزادی را خون‌هایی می‌داند که در این راه ریخته شده‌اند و حیات واقعی تنها با مبارزه پیگیر حاصل خواهد شد:

حُرْيَةُ الْإِنْسَانِ بِالِدَمِ تُشْتَرَى لِبِالْوَعْدِ
طُرُقُ الْحَيَاةِ مُزَيِّنَاتٌ بِالنَّظْمِ لِبِالْوَرْدِ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۵)

ترجمه: «آزادی انسان نه با وعده‌ها، بلکه تنها با خون خریداری می‌شود؛ و راه‌های زندگی (واقعی) نیز نه با گل‌ها، بلکه با شمشیرهای برنده مزین شده است.»

از همین رو، بنا به دیدگاه شاعر، اگر ملتی آزادی خود را با خون خریداری نماید، هیچ گاه ضرر نخواهد کرد و به آرمان خود خواهد رسید:

وَكُلُّ شَعْبٍ نَسَائِرٍ يَشْتَرِي
حُرْيَةً بِالِدَمِ لَا يُغَيَّبُ
(همان: ۳۶۳)

ترجمه: «و هر ملتی انقلابی که آزادی را با خون خریداری کند، ضرر نخواهد کرد.»

بنابراین شاعر، خیزش و انقلاب را بهترین هدایتگر در راستای نیل به اهداف والا می‌داند: «فَالثَّوْرَةُ الْحَمْرَاءُ خَيْرٌ مُرْشِدٍ» (همان: ۲۷). «ابوسلمی»، وطن اشغال‌شده خود را به فریاد می‌خواند که داخل در شراره‌های آتش مبارزه و پیکار درآید و هول و هراسی به خود راه ندهد؛ چرا که این، تنها راه باز کردن غل و زنجیر بردگی است:

۱- إِيهَ فَلَسْطِينُ، أَفْحَمِي أُجَجِ اللَّهَيْبِ وَ لَاتَحِيدِي
۲- لَاتَصْهَرُ الْأَغْلَالُ غَيْرُ جَهَنَّمَ الْهَوْلِ الشَّدِيدِ
۳- وَالثَّوْرَةُ الْحَمْرَاءُ نَطْعُمُهَا الْجُسُومَ مَعَ الْكِبُودِ
۴- أَيَّانَ نَسْأَلُ نَارَهَا فَتَجِيئُنَا هَلْ مِنْ مَزِيدِ
۵- يَا نَارُ لَاتَنْظَلِمِي وَتَقْبَلِي شَرَفَ الْوَقُودِ
(همان: ۲۵)

ترجمه: «۱- ای فلسطین! خود را بر امواج شراره‌های آتش (مبارزه) بزن و کناره نگیر! ۲- غل و زنجیرها را جز جهنم حمله شدید، ذوب نخواهد کرد. ۳- و انقلاب سرخ را با بدن‌ها همراه جگرها خوراک خواهیم داد. ۴- هرگاه از آتشش بپرسیم، پاسخ خواهد داد: آیا بیشتر هست؟! ۵- ای آتش! ستم بر خویش مپذیر و شرف سوختن را قبول کن.»

بهره‌گیری از کلمات و آیات قرآنی در این ابیات، زیبایی شگرفی به مفهوم آن بخشیده است؛ عبارت «هل من مزید» که بیانگر اوج حماسه و جان‌فشانی در راه آزادی وطن و شهادت‌طلبی در راه آن است، در حقیقت اقتباسی لفظی از این آیه شریفه است که می‌فرماید: «يَوْمَ نَقُولُ لِيَجْهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (ق/۳۰).

خوف و هراس در مبارزه را باید رها نمود و از کشته شدن، به دار آویخته شدن یا زندانی شدن نباید ترسی داشت:

۱- نَقْصَفُ كَالْأَرْمَاحِ لَا نَنْتَبِي
فِي الرَّوْعِ أَوْ نَخْضَعُ أَوْ نُدْعِي
۲- وَلَا نُبَالِي فِي سَبِيلِ اللَّقَا
نُقْتَلُ أَوْ نُصَلَّبُ أَوْ نُسَجَّنُ
(همان: ۳۶۲)

ترجمه: «۱- همچون نیزه‌ها، حمله می‌آوریم و به هنگامه شدت جنگ، خم نمی‌شویم یا ذلیل و تسلیم نخواهیم شد. ۲- در مسیر پیکار (با دشمنان)، اهمیت نمی‌دهیم که کشته شده، یا به دار آویخته یا زندانی شویم.»

۲-۱-۱-۵- توصیف آوارگان

جنگ و مقاومت، بدون تردید موجب آوارگی نیز خواهد شد. از سال ۱۹۴۸م که اشغال‌گران فلسطین، شروع به قتل‌عام و نابود کردن ساکنان فلسطینی نمودند، گاه با شهرک‌سازی‌های یهودی‌نشین در شهرهای فلسطینی و گاه با اخراج اجباری و ظالمانه فلسطینیان از خانه و کاشانه خویش، هزاران فلسطینی را آواره کشورهای دیگر نمودند. در این میان، هرچند که «هجرت اجباری از میان خویشان و دوستان و اندوه و افسوس متعاقب آن در شعر عرب سابقه‌ای دیرینه دارد، ولی احساس شاعر فلسطین در این زمینه، احساسی بسیار صادق و چند جانبه است؛ به گونه‌ای که نظیر آن را در شاعران جدید نمی‌یابیم» (بلاوی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۹). «ابوسلمی» شاعر وطن و دردمند از آه و ناله آوارگان و ستمدیدگان فلسطینی است و در اشعاری به بیان رنج‌های هم‌وطنان آواره خویش می‌پردازد. وی در قصیده «المشرد»، به ذکر برخی مشکلات آوارگی مردم فلسطین پرداخته، آنان را قربانی ظلم و ستم دانسته، مسئول چنین مصیبتی را حاکمان و رهبرانی می‌داند که به ملت و سرزمین خود خیانت کرده، آنان را بدون گناه، از آب و خاک خود بیرون رانده‌اند؛ حکومت‌هایی که در ظاهر، حکومت‌هایی شرقی و پایبند به اصول و مبادی اسلامی بوده؛ اما حاکمان آن، دنباله‌رو و دست‌نشانده غرب و دسیسه‌های استعماری آنان بوده‌اند و آنگاه که تصمیم به جنگ گرفته شد، نتیجه آن آوارگی و سرگردانی یک ملت بود:

۱- یا اخی! أنت معی فی کلّ درب	فَأَحْمِلِ الْجُرْحَ وَ سِرِّ جَنْبًا لِحَنْبٍ
۲- سِرِّ مَعِي فِي طَرْقِ الْعُمَرِ وَ قُلِّ	أَيْنَ مَنْ يَحْمِي الْحِمَى أَوْ مَنْ يَلْبِي؟
۳- فَهِنَا الْإِيْتَامُ فِي أَدْمَعِهِمْ	وَ هِنَا... تَهْوِي الْعَذَارَى مِثْلَ شُهْبٍ
۴- وَ شَيْخٌ حَمَلُوا أَعْوَامَهُمْ	مُتَقَلَّاتٍ بِشَطَايَا كُلِّ خَطْبٍ
۵- هُمْ ضَحَايَا الظُّلْمِ هَلْ تَعْرِفُهُمْ؟	إِنَّهُمْ أَهْلِي - عَلَي الدَّهْرِ - وَ صَخْبِي
۶- يَا رِفَاقَ الدَّهْرِ!... هَلْ شَرَدَكُمْ	فِي الْوَرَى عَادُوا أَوْ مُحِيبًا؟!!
۷- زَعَمَاءُ!... دَنَسُوا تَارِيخَكُمْ	وَمُلُوكًا... شَرَدُواكُمْ دُونَ ذَنْبٍ
۸- دَوْلٌ تَحَسَّنَتْ بِهَا شَرْفِيَّةٌ	وَ إِذَا أَمَعَنْتَ فَالْحَاكِمُ غَرِبِيٌّ
۹- يَوْمَ هَزَّتْ لِلْوَعَى رَأْيَاتَهَا	حَكَتْ فِيهِ عَلَي تَشْرِيدِ شَعْبٍ

(الکرمی، ۱۹۷۸: ۷۸)

ترجمه: «۱- ای برادرم! تو با من در هر مسیری همراه هستی! پس (تیغ) جراحت را حمل کن و در کنار من حرکت کن. ۲- در راه‌های عمر با من بیا و بگو: چه کسی وطن را حامی است؟ چه کسی لبیک‌گو است؟ ۳- اینجا یتیمانی هستند در اشک‌های خود (غوطه‌ورند) و اینجا دخترکانی چون آذرخشنی افتاده‌اند. ۴- و پیرانی که سنگینی سال‌هایشان را با کمان‌هایی در هر مصیبتی، با خود حمل می‌کنند. ۵- اینان قربانیان ستم‌اند؛ آنان را می‌شناسی؟ اینان خانواده و یاران من در طول روزگاران هستند. ۶- ای هم‌رهان دوران! ... شما را نیرنگ دشمن آواره ساخت یا یک دوست؟! ۷- رهبرانی که تاریخ‌تان را آلوده کردند و پادشاهانی که بی‌گناه، شما را آواره ساختند. ۸- دولت‌هایی که آنان را شرقی‌گمان کردی! ولی آنگاه که دقت کنی، حاکم آن غربی است. ۹- روزی که پرچم‌های خود را برای جنگ برافراشتند، بر آوارگی ملتی حکم کردند.»

۲-۱-۱-۶- سرزنش حاکمان عرب

تاریخ مبارزات ملت‌های منطقه، شاهد وجود حاکمان دست‌نشانده‌ای است که نه تنها تلاشی برای آزادی سرزمین خود نداشته‌اند؛ بلکه با دشمنان وطن نیز همکاری داشته، نقش مؤثری در تحقّق نقشه‌های آنان داشته‌اند. از جمله اینکه به دنبال انقلاب ملت فلسطین در سال ۱۹۳۶ که بر علیه استعمارگران انگلیسی بود، برخی از پادشاهان و حاکمان کشورهای عربی، با انتشار بیانیه‌ای، فلسطینی‌ها را به دوری از تظاهرات فراخواندند و کشور انگلیس را کشوری دوست و قابل اعتماد دانستند که سعی در برقراری عدالت در فلسطین دارد! در این زمان بود که اشعار ابوسلمی، تبدیل به «بمب‌هایی شد بر سر تبه‌کنندگان فلسطین و کسانی که با آن قضیه معامله می‌کردند و در ظاهر، نسبت به آن دلسوزی اظهار می‌داشتند. کسانی که بر ملت‌شان و عربیت و دینشان خیانت کردند و در حالی که شعار انقلابی می‌دادند، به نام ملت‌ها، ملت‌ها را گمراه ساختند» (السوافیری، ۱۳۸۳: ۲۱۸). این خیانت‌ها از سوی دوست‌نماها، ابوسلمی شاعر مبارز فلسطینی را بر آن می‌دارد تا در مقابل این ذلّت حاکمان عرب، قصیده‌ای با عنوان «لهب القصید» را بسراید. شاعر از سران عربی که فریفته وعده‌های خوارکننده یهود شده‌اند، انتقاد می‌کند:

سُحِقًا لِمَنْ لَا يَعْرِفُونَ سِوَى التَّغْلِيلِ بِالْوَعْدِ
وَأَذْلَهُمْ وَعَدُّ الْيَهُودِ وَلَا أَذْلَ مِنْ الْيَهُودِ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۱)

ترجمه: «دورباد! آنان که جز مشغول بودن به وعده‌های (تو خالی و دروغ)، چیزی دیگر نمی‌شناسند؛ و وعده‌های یهود آنان را زبون نموده است و خوارتر از یهود، کسی دیگر نیست.»

«ابوسلمی» همواره در تلاش بود تا روزنه‌های اشغال‌گری را از ملت خود بزدايد؛ از همین رو وی «از جمله شاعرانی است که خائنان به سرزمین و فروشنده‌گان زمین به دشمنان را مورد سرزنش قرار داد و ایشان را خائن خواند» (ر.ک به: عبدالله عطوات، ۱۹۹۸: ۱۲۷-۲۰۵). «ابوسلمی» به آنان که آب در آسیاب دشمن می‌ریختند و پرچم‌دار ننگ و عار بودند، یادآور می‌شد که از میدان خارج شوند و کار ملت را به خودشان واگذارند؛ تا ملت تدبیری بیندیشند، به پا خیزند و با انقلاب خود، در فروپاشی و نابودی دشمن، موفقیتی کسی نمایند:

۱- أَبْهَأَ الْحَامِلُونَ أَلْوِيَةَ الْعَارِ!... تَخَلُّوا عَنْ حَوْمَةِ الْمِيدَانِ
۲- سَلَّمُوا الشَّعْبَ أَمْرَهُ وَاسْتَرِيحُوا يَا حُمَاةَ الْأَصْنَامِ وَالْأَوْثَانِ
۳- كُلُّ جَيْشٍ يَكُونُ حَرْبًا عَلَى الشَّعْبِ، ذَلِيلٌ، إِذَا التَّقَى الْجَمْعَانَ
۴- كُلُّ يَوْمٍ تَجَدَّدُونَ الشُّعَارَاتِ، فِرَارًا مِنْ أَرْزَمَةِ الْوَجْدَانِ
۵- بَعْدَ حَرْبِ التَّخْرِيرِ قَدْ أَصْبَحَ الْيَوْمَ شِعَارًا، إِزَالَةُ الْعَدْوَانِ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۰۹)

ترجمه: «۱- ای حاملان پرچم‌های ننگ و عار!... فضای میدان (مبارزه) را خالی کنید. ۲- ای حامیان بت‌پرستی و شرک! کار ملت را به خود آنان واگذارید و خود، راحت و آسوده باشید. ۳- هر لشکری در روز نبرد علیه این ملت، بی‌گمان خوار و ذلیل خواهد بود. ۴- شما در هر روز و برای فرار از سرزنش و عذاب وجدان خود، شعارهای جدیدی سر می‌دهید. ۵- پس از جنگ برای آزادسازی (فلسطین)، امروز زدودن تجاوز دشمن، به شعار تبدیل شده است.»

«ابوسلمی به استفاده از هجو تمسخرآلود که رهبران و نظامیان را شامل می‌شود، شناخته شده است» (معجم الباطین للشعراء

العرب المعاصرین، ۱۹۹۵: ۲۶/۶). او حکومت‌های دست‌نشانده منطقه را در دنباله‌روی و گوش به فرمان بودن در برابر استعمار و دشمنان، به مرکب‌های سواری و دُم حیوانات تشبیه می‌کند و جامعه جهانی را که وظیفه‌اش دفاع از حقوق ملت‌ها است، به عروسکی مانند می‌کند که دارای هیچ‌گونه اختیار و اراده‌ای از خود نیست:

- ۱- لَنَا دُولٌ لَيْتَهَا لَمْ تَكُنْ مَطَاً
يَا وَأَذْنَابٌ مُسْتَعْمِرِينَ
۲- وَجَامِعَةٌ لَمْ تَنْزَلْ دُمِيَّةً
يَخْفُ إِلَيْهَا الرَّجِيمُ اللَّعِينُ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۱۱)

ترجمه: «۱- ما دولت‌هایی داریم که ای کاش، مرکب‌ها و دُم‌های دنباله‌روی استعمارگران نبودند. ۲- و جامعه‌ای بین‌المللی که همچون عروسکی (بدون اراده) است و در برابر آن، شیطان رانده شده ملعون ناچیز است.»

«ابوسلمی» در این سخریه‌های طنزگونه‌اش، در پی آن است که اعتراض خود را نسبت به سیاست‌مداران سرسپرده در کشورهای عربی ابراز دارد. از همین رو وی با گزینش رویکرد سیاسی-انقلابی در طنز، بر آن است تا اهداف و مقاصد دولت‌مردان مزدور عربی را برای مردم بیشتر برملا نماید و این قالب از دیدگاه برخی، «بهترین و تأثیرگذارترین شیوه برای بیان چالش‌ها و نقد و اصلاح جامعه است» (ر.ک به: قزح، ۱۹۹۸: ۹۰). از جمله شاعر در ابیات زیر به شیوه سخریه، پادشاه سعودی را به خاطر تسلیم شدن در برابر توطئه‌های انگلیس، مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد:

- ۱- انْشُرْ عَلَيَّ لَهَبَ الْقَصِيدِ شَكْوَى الْعَبِيدِ إِلَى الْعَبِيدِ
۲- شَكْوَى يُرَدِّدُهَا الزَّمَانُ غَدًا إِلَى أَبَدِ الْأَبِيدِ
۳- إِنِّي لَأُرْسِلُهَا مُجَلِّجَةً إِلَى الْمَلِكِ السُّعُودِي
۴- أَسْتَأْرُ «مَكَّةَ» كَيْفَ تَسُدُّهَا عَلَى الْخَصْمِ اللَّدُودِ
۵- تَأْتِي الصَّحَارَى أَنْ يُدْتَسَ رَمْلُهَا «فَيْلِي» وَ«مُودِي»
۶- لَنْ تَطْهَرَ الدُّنْيَا وَفِيهَا «الْإِنْكِلِيزُ» عَلَيَّ صَعِيدِ
۷- لَوْ كَانَ رَبِّي إِنْكِلِيزِيًّا دَعَوْتُ إِلَى الْجُحُودِ
۸- أَمْحَلًّا ذُبْحَ الْقَرِيبِ مُحَرَّمًا ذُبْحَ الْبَعِيدِ
۹- تَلْهُو بِصَيْدِكَ، لَأَبَا لَكَ، فِي السُّهُولِ وَفِي التُّجُودِ
۱۰- وَالْأَهْلُ أَهْلُكَ يَقْتُلُونَ وَ يُنْشَرُونَ عَلَى الْجُرُودِ
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۱-۲۲)

ترجمه: «۱- بر زبان پر شراره قصیده، شکوه برده را به برده بخوان. ۲- شکوه‌ای که فرداها برای همیشه تکرار می‌شود. ۳- من این شکوه را با طنین بسیار، به سوی حاکم سعودی می‌فرستم. ۴- پرده‌های مکّه را چگونه در برابر آن دشمن ستیزه‌جو (انگلیس) پهن نمودی؟! ۵- بیابان‌ها ابا دارند از اینکه (فیلیبی) و (مودی) انگلیسی، سزارها را آلوده کنند. ۶- در جهانی که انگلیس در عرصه هست (و دستور می‌دهد)، هیچ‌گاه دنیا پاک نخواهد شد. ۷- اگر انگلیس خدای بود، بدون تردید همگان را به کفر فرا می‌خواندم. ۸- آیا قربانی کردن نزدیک را (ملت فلسطین) حلال می‌پنداری و قربانی نمودن دور (انگلیس) را حرام؟! ۹- در دشت‌ها و زمین‌های مرتفع، به صد و شکار مشغولی و بدان سرگرم هستی! ۱۰- در حالی که اهل و خانواده (ملت فلسطین) که اهل و عیال تو نیز هستند، کشته می‌شوند و در زمین‌های خشک پراکنده می‌شوند.»

۲-۱-۱-۲- دفاع از انقلاب آزادی خواهان در جهان

«به آن اندازه که شعر فلسطینی در داخل فلسطین، منادی پیروزی حق و عدالت بود؛ در همان وقت نیز از حرکت‌های آزادی خواهانه در کشورهای عربی ستایش می‌کرد و از قهرمانی و شهامتی که مبارزان در این سرزمین‌ها داشته، در راه وطن خویش جانفشانی می‌کردند، تمجید می‌نمود» (السوافیری، ۱۹۷۳: ۲۴۶). علاوه بر کشورهای عربی، همنوایی با مبارزان و آزادی خواهان ملت‌های مختلف نیز، یکی از رویکردهای «ابوسلمی» در سروده‌های انقلابی خویش است. «این مبارزان، اهل هر سرزمینی که باشند و هر آیینی که داشته باشند با اسلامگرایان وجه مشترکی دارند و آن اعتراض علیه ظلم، غصب و پامال شدن حقوقشان است» (سامخانی و مدنی ایوری، ۱۳۹۵: ۹۵). «ابوسلمی» در قصیده «فقیر ایبی» به تمجید از این مبارز هندی در راه استقلال سرزمینش از استعمار انگلیس می‌پردازد و از او می‌خواهد که قید و بندهای بردگی و استعمار را نابود کند و همه تلاش‌ها و حرکت‌های آزادی خواهانه را در سرزمینش انسجام بخشد؛ چرا که انقلاب باید پیروز شود و این، رمز به جاودانگی رسیدن است:

عَلَى الْمَدَى وَوَحْدِ الْجُهُودَا	۱- «فَقِيرَ إِيْبِي» حَطَّمِ الْقِيُودَا
حُمْرًا تَرُدُّ الْمَوْتَ وَالْجُنُودَا	۲- وَارْفَعْ عَلَيَّ جِبَالِكَ الْبُنُودَا
نَخْنُ وَ أَنْتُمْ نَطْلُبُ الْخُلُودَا	۳- لَا بُدَّ لِلثَّوْرَةِ أَنْ تَسُودَا
وَخَالَفُوا مِنْ بَعْدِنَا إِلَيْهِودَا	۴- الْإِنْكِلَابُ أَنْكَرُوا الْعُهُودَا
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۶)	لَأَنَّ عَلَيَّ طَرِبِقَ الْهِنْدِ

ترجمه: «۱- ای «فقیر ایبی»! قید و بندها را در طی زمان، از میان ببر و تلاش‌ها را منسجم کن و بدان‌ها وحدت ببخش. ۲- و بر کوه‌هایت، پرچم‌های سرخ‌رنگ را که مانع مرگ (ملت) و سربازان (استعمار) می‌شود، برافراشته نما! ۳- به ناگزیر باید انقلاب به سیادت برسد و ما و شما، همگی در پی جاودانگی هستیم. ۴- انگلیس، عهد و پیمان‌ها را نقض کرد و پس از ما، با یهود هم‌پیمان شد؛ چرا که ما نیز در مسیر هند هستیم.»

۲-۱-۱-۸- به تصویر کشیدن جنایت‌های دشمن

یکی از مضمون‌های غالب در اشعار سراینده‌گان پایداری، بیان گوشه‌ای از جنایت‌های غیرانسانی دشمن و بیان رنج و درد مردم مظلوم است. «ابوسلمی» نیز در اشعار خود به چنین موضوعی می‌پردازد و آن را به زیبایی به تصویر می‌کشد. از جمله در ابیات زیر، به انواع عذاب و سختی ملت فلسطین اشاره دارد؛ از زندان تا تبعید، از زنان بیوه شده و کودکان یتیم تا وطنی که گوشه گوشه آن قربانی ظلم و ستم تجاوزکاران شده است:

الْوَعْدِ ضَاعُوا وَالْوَعِيدِ	۱- قَوْمُوا انظُرُوا الْأَهْلِينَ بَيْنَ
وَبَيْنَ مَنْفِيٍّ شَرِيدِ	۲- مَا بَيْنَ مَلَقَى فِي السُّجُونِ
أَوْ يَتِيمِ أَوْ فَاقِيدِ	۳- أَوْ بَيْنَ أَرْمَلَةٍ تُوَلِّوْ
مِنَ الْوَرِيدِ إِلَى الْوَرِيدِ	۴- قَوْمُوا انظُرُوا الْوَطْنَ الذَّبِيحَ
الْخَطِيءِ فَوَقَّ اللَّحُودِ	۵- تَتَزَا حَمُّ الْأَجْيَالِ دَامِيَةً
(الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۴)	

ترجمه: «۱- برخیزید و بنگرید اهالی را که در میان وعده و وعید گم شده‌اند. ۲- بین افتاده در زندان‌ها، و

میان تبعیدشده آواره؛ ۳- یا میان بیوه‌ای که در حال زاری است؛ و یا یتیم یا گم‌شده‌ای! ۴- برخیزید و بنگرید به وطنی که رگ به رگ قربانی شده است. ۵- نسل‌ها با گام‌های خونین بر بالای قبرها ازدحام کرده‌اند.»

۲-۱-۱-۹- امید به آینده روشن و پیروزی موعود

در سروده‌های انقلابی «ابوسلمی» خواهیم یافت که وی از پس ابرهای تیره نویدی و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم زیر ستم و جور را فرا گرفته است، به طلوع فجر آزادی ایمان دارد و به درخشیدن بارقه‌های پیروزی در فضای غبارآلود سرزمینش امیدوار است؛ چرا که «انقلابی‌گری به معنای آن است که شاعر طالب تغییر وضع موجود است، در این صورت، بدیهی است که وضع مطلوبی را مدنظر دارد و امیدوار به رسیدن به آن است» (النقاش، ۱۹۷۲: ۹۱). از همین رو، «گستره ایمان و آرزو با امید بازگشت به وطن، بیش از هر چیز در ابیات شاعر وسعت می‌یابد» (الجيوسي، ۱۹۹۷: ۴۰۵/۱)؛ از جمله در ابیات زیر چنین می‌سراید:

- | | |
|--|--|
| وَهَلْ مِنْ عَوْدَةٍ بَعْدَ الْغِيَابِ | ۱- وَيَسْأَلُنِي الرَّفَاقُ اللَّقَاءَ |
| وَفَوْقَ شَفَاهِنَا حُمْرُ الرَّغَابِ | ۲- أَجَلٌ سَنُقَبِّلُ التُّرْبَ الْمُنْدَى |
| إِلَى وَقْعِ الْخُطَا عِنْدَ الْإِيَابِ | ۳- غَدًا سَنَعُودُ وَالْأَجْبَالُ تُصْنَعِي |
| مَعَ النَّسْرِ الْمُخَلَّقِ وَالْعُقَابِ | ۴- مَعَ الْأَمْلِ الْمُجَنِّحِ وَالْأَغَانِي |

ترجمه: «۱- دوستان از من درباره دیدار (مجدد) می‌پرسند؟ و آیا پس از غیبت، امیدی به بازگشت هست؟
۲- بله! خاک نمناک (وطنم) را خواهیم بوسید؛ در حالی بر لب‌های ما، امیدهای سرخ‌رنگ نقش بسته است.
۳- فردایی باز خواهیم گشت و نسل‌ها به صدای گام‌های ما به هنگام بازگشت، گوش خواهند داد. ۴-
همراه با آرزوهای دور و دراز و ترانه‌هایی با کرکس‌ها و عقاب‌های به پرواز درآمده در آسمان!»

شاعر با انتقاد از کسانی که به خاطر مصیبت اشغال فلسطین، اشک از چشمان خود جاری ساخته و نوید شده‌اند؛ آنان را به امیدواری و حرکت به جلو فرامی‌خواند:

- | | |
|--|---|
| بَعْدَ مَا أَصْبَحْتَ فِي كُلِّ مَهَبٍ | ۱- أَيُّهَا الْبَاكِي وَهَلْ يُجْدِي الْبُكَاءُ |
| حَافِلٍ بِالْأَمْلِ الضَّاحِكِ رَحْبٍ | ۲- كَفَكَفِ الدَّمْعِ وَ سِرِّ فِي أَفْقٍ |
- (همان: ۱۵۷)

ترجمه: «۱- ای برادر گریان! و آیا پس از آنکه در هر موقعیت (سختی) قرار گرفتی، گریه سودمند خواهد بود؟! ۲- از گریستن باز ایست (اشک‌های خود را پاک کن) و به سوی افقی آکنده از آرزوهای گسترده و خندان حرکت کن.»

۲-۱-۱-۱۰- بهره‌گیری از نمادها

ابوسلمی در اشعار خود، از ظرفیت سمبولیک نمادها نیز استفاده می‌کند تا بدین وسیله، معانی و مفاهیم مورد نظر خود را ژرف‌تر و بهتر انتقال دهد. این نمادها، گاه شخصیت‌های مبارز تاریخی است تا بدین وسیله، روح مقاومت در میان مجاهدان زنده نگه داشته شود. «صلاح‌الدین ایوبی» از جمله این شخصیت‌های نمادین در شعر ابوسلمی است که در زمان خود توانست، اشغال‌گران مسیحی را از بیت‌المقدس بیرون براند و به «رمز جهاد و مقاومت» (شیرخانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶)

تبدیل شود. شاعر در بیت زیر با خطاب قرار دادن فلسطین، او را خواهر «صلاح‌الدین» می‌داند:

أَخْتِ صَاحِ الدِّينِ عِشْتِ حُرَّةً تَأْبَى لَكَ الْعُلَيَاءُ أَنْ تُهَوِّدِي

(الکرمی، ۱۹۷۸: ۲۷)

ترجمه: «ای خواهر صلاح‌الدین! آزادانه زندگی کنی؛ چرا که بلندمرتبه‌گی، تو را باز می‌دارد از اینکه یهودی شوی (تسلیم اشغال‌گران صهیونیست گردی).»

همچنین گاهی شاعر موجودات و عناصر طبیعی نیز بهره می‌جوید؛ همچنان که در قصیده «عید الجلاء»، از عقاب (نسر)، به‌عنوان نماد شکوه و عظمت و وطنش بهره می‌گیرد:

إِيهَ يَا نَسْرُ بِلَادِي انْطَلِقْ كَيْفَمَا شِئْتِ فَهَذَا أَفْقِي

(الکرمی، ۱۹۷۸: ۳۷۳)

ترجمه: «ای عقاب سرزمینم! هر طور که می‌خواهی، پرواز کن! چرا که این افق (آرمان) من است.»

۳- نتیجه

ادب عربی معاصر فلسطین، میراث فکری گران‌بها و ثروت عظیم هنری، در به ترسیم کشیدنِ مظلومیت یک ملت در برابر ظلم و تجاوز است. «عبدالکریم الکرمی» معروف به ابوسلمی، شاعری انقلاب و وطن‌خواه است که انس او با وطنش، چنان در روح و جاننش نفوذ کرده که گویی فلسطین برای شاعر، به مثابه معشوقه‌ای دل‌انگیز است که جدایی از آن برای عاشق، ناممکن است. «ابوسلمی» با سلاح شعر خویش، می‌کوشد تا ملموس‌ترین تصاویر را از مبارزه هم‌وطنان خویش به تصویر بکشد. سازش با دشمن اشغال‌گر، در نگاه شاعر، خیانت به آرمان‌های ملت فلسطین است که تنها راه رسیدن به موفقیت، مبارزه و خونخواهی است. تشویق ملت به مبارزه پیگیر و بی‌امان بر علیه دشمن اشغال‌گر و تمجید از رشادت‌ها و فداکاری‌ها، ستایش از شهیدان راه آزادی و ظلم‌ستیزی و نیز امید دادن به آینده‌ای روشن همراه با پیروزی، از دیگر مؤلفه‌های پایداری در اشعار این سراینده فلسطینی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی (از آغاز تا عصر پهلوی)، جلد ۱، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. بیلتو، غاده أحمد. (۱۹۸۷م). ابوسلمی حیاة و شعره. دمشق: دار طلاس.
۴. الجیوسی، سلمی خضراء. (۱۹۹۷م). موسوعه الأدب الفلسطینی المعاصر. بیروت: المؤسسة العربیة.
۵. رجایی، نجمه. (۱۳۸۲). شعر و سرور. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۶. السوافیری، کامل. (۱۹۷۳). الاتجاهات الفنیة فی الشعر الفلسطینی. مکتبه الأنجلو العصریة.

۷. (۱۳۸۳). ادب معاصر عرب در فلسطین. ترجمه: علی احمد امیر سرداری. تهران: انتشارات حروفیه.
۸. سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۷). مکتب‌های ادبی، چ ۴. تهران: نگاه.
۹. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب. چ ۲. تهران: سخن.
۱۰. (۱۳۷۶). موسیقی شعر. چ ۵. تهران: آگه.
۱۱. قبش، أحمد. (بی‌تا). تاریخ الشعر العربی الحديث. بیروت: دار الجیل.
۱۲. قزیه، ریاض. (۱۹۹۸). الفکاهه فی الأدب الأندلسی. بیروت: المکتبه العصریه للطباعه و النشر.
۱۳. عبدالله عطوات، محمدعبد. (۱۹۹۸). الاتجاهات الوطنیه فی الشعر الفلسطینی المعاصر من ۱۹۱۸ إلى ۱۹۶۸. بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۱۴. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان. مقوله‌ها و مقاله‌ها بررسی ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۵. الکریمی، عبدالکریم. (۱۹۷۸م). دیوان ابی سلمی. بیروت: دارالعوده.
۱۶. معجم البابین للشعراء العرب المعاصرين. (۱۹۹۵). هیئة المعجم. بی‌جا: مؤسسه جائزه عبدالعزیز البابین للإبداع الشعری.
۱۷. النقاش، رجاء. (۱۹۷۲م). محمود درویش شاعر الأرض المحنّه. الطبعة الثانية. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
۱۸. الخطیب، حسام. (۲۰۰۲). «مشروع منهج متكامل لدراسة الأدب الفلسطینی الحديث». مجله نزوی. اردن. العدد ۳۱. گرفته شده از پایگاه اینترنتی مجله در تاریخ ۲۰۱۰/۲/۵.
۱۹. بلاوی، رسول و دیگران. (۱۳۹۲). «جایگاه آوارگان فلسطینی در شعر محمود درویش». نقد ادب معاصر عربی. سال سوم. پیاپی ۴. صص ۲۵-۵۵.
۲۰. رحماندوست، مجتبی و مجاهد، رحمان. (۱۴۳۴). «القضیه الفلسطینیّه فی أدب عبدالکریم الکریمی». مجله اللغه العربیّه و آدابها. السنه التاسعه. العدد الأول. صص ۸۳-۹۹.
۲۱. سامخانی، علی اکبر و مدنی‌ایوری، سیده طیبه. (۱۳۹۵). «ابعاد اسلامگرایی در شعر طاهره صفارزاده». نشریه ادبیات پایداری. سال هشتم. ش ۱۴. صص ۷۹-۹۸.
۲۲. سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۰). «ادبیات پایداری (نگاهی به ویژگی‌ها، زمینه‌ها، علل پیدایی)». بیداری کلمات (بررسی و تحلیل شعر مقاومت). به کوشش: جواد محقق. تهران: روایت فتح.

۲۳. شیرخانی، محمدرضا و دیگران. (۱۳۹۴). «فراخوانی شخصیت صلاح‌الدین ایوبی و کارکرد آن در شعر معاصر فلسطین». فصلنامه لسان مبین. سال هفتم. دوره جدید. ش ۲۱. صص ۶۷-۸۹.
۲۴. مسبوق، سید مهدی و دیگران. (۱۳۹۰). «میهن دوستی در شعر ملک‌الشعراى بهار و جمیل صدقی الزهاوی». فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی. ش ۲. صص ۱۳۱-۱۵۸.
۲۵. ملاابراهیمی، عزت و دیگران. (۱۹۹۰). «نگاه نمادین به زن در شعر معاصر فلسطین». زن در فرهنگ و هنر. دوره ۳. شماره ۱. صص ۹۵-۱۱۳.
۲۶. نجاریان، محمدرضا. (۱۳۸۸). «بُن مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش». نشریه ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ۱. صص ۲۰۱-۲۲۲.
۲۷. الفار مصطفی محمد. (۱۹۸۰). أبوسلمی الأديب الإنسان. دانشگاه «القدیس یوسف».
۲۸. مساعد العمری أسماء. (۲۰۰۸م). شعر عبدالکریم الکریمی در اسه أسلوییه. پایان‌نامه مقطع دکتری. دانشگاه «أم القرى».